

# اشتباه مهلك در كسب رضايت

## عباس عبدي

قتل، يكي از مهم‌ترين جرايم است و برخي از قتلها براي مردم جذابيت‌هاي خبري فراواني دارد. البته همه قتلها به يك اندازه بازتاب ندارند. در سال‌هاي اخير قتل‌هايي كه به دست سميه و شاهرخ، در دهه ۱۳۷۰ رخ داد، سپس قتلي كه به دست يك دختر نقاش به نام دل‌آرا رخ داد و عمه‌اش را كشت، قتل همسر يك فوتباليست به دست زن صيغهاي فوتباليست و خودكشي يا قتل پدرام تجريشي در دهه ۱۳۶۰، قتل يك خانم پير به دست پرستارش كبرا رحمان‌پور و نيز قتل مريم رحمانی و اكنون غزاله و آرمان بازتاب‌هاي خبري و اجتماعي زيادي داشتند. اينها به جز قتل‌هاي سريالي هستند كه بازتاب‌هاي وسيع‌تري دارند. به تناسب اين بازتاب‌ها مردم دستخوش داوري‌ها و احساسات خوب يا بد ميشوند. پرداختن به ابعاد اين داوري‌ها و احساسات مي‌تواند به ما در شناخت نحوه برخورد صحيح نيز كمك كند. در ماجراي غزاله و آرمان، پس از يك كشوقوس ۸ساله هفته گذشته، آرمان اعدام شد و دو نگرش متضاد در دفاع از اين اعدام يا رد آن نيز در جامعه ديده شد. ولي اين ماجرا را چگونه بايد مورد توجه قرار داد؟ اولين نکته، پرسش درباره اصل وقوع قتل است. در ماجراي پدرام تجريشي اختلاف ميان ادعاي قتل يا خودكشي بود. در برخي از موارد قتل قطعي است، ولي انتساب آن به متهم محل سوال است و در برخي نيز رخداد قتل به دست متهم، قطعي تلقي ميشود. به‌طور كلي استقلال و دقت رسيدگي قضايي در پرونده‌هاي قتل عمد و در دادگاه‌هاي عمومي رعايت ميشوند. فرآيند ماجرا آن قدر پيچيده است كه اعمال نفوذ سخت است. پليس و آگاهي، بازپرس و دادستان، دادگاه بدوي رسيدگي‌كننده با چند قاضي، ديوان عالي كشور و رفت‌وبرگشت‌هاي فراوان، علني بودن دادگاه و حضور و موضع‌گيري وكلا و رسانه‌ها همگي موجب ميشوند كه اعمال نفوذ استثنا شود.

از اين رو شخصا تاكنون با مورد خاصي كه خلاف عدالت حقوقي حكم نهايي صادر شده باشد، نشنيده‌ام. شايد از اين نظر پرونده آقاي جلال‌الدين فارسي محل سوال جدي باشد. انكار نبايد كرد كه وضعيت رسيدگي به پرونده‌هاي امنيتي و سياسي موجب بدبيني به پرونده‌هاي عادي هم شده است. در هر حال اين بدان معني نيست كه هيچگاه حكم اشتباهي صادر نميشود. حقيقت نزد خداست، ولي براساس قانون و شواهد

می‌توان اجمالا به این نتیجه رسید که چه کسی قاتل است. بنا بر این در اصل وقوع قتل‌ها و انتساب آنها به متهمان، چندان جای چون و چرا نیست. شاید اختلاف نظر میان قتل عمد با غیر عمد یا دفاع مشروع باشد که از این نظر جای بحث و جدل زیاد است. همچنین تعریف قتل عمد در حقوق ایران به گونه‌ای است که میان قتل‌های فجیع و قتل‌های اتفاقی یا حتی تحریک‌شده از جانب مقتول و... تمایزی قایل نمی‌شود که این ضعف اساسی در قانون مجازات ما است.

نکته بعدی درباره کودک محسوب شدن مجرم یا قاتل است که این موضوع می‌تواند محل بحث قرار گیرد ولی در این مورد خاص، ظاهراً و با توجه به قراین ماجرا، دادگاه موضوع پایین بودن سن را به عنوان شاهی بر عدم رشد در ارتکاب جنایت نپذیرفته است.

مهم‌ترین نکته به قصاص یا عفو مربوط است. جامعه با شدت و حدت فراوان وارد این پرونده‌ها می‌شود و نسبت به مجازات فرد حساسیت نشان می‌دهد و انتظار دارد مطابق این انتظار عمل شود، در حالی که در عمل نقش چندان‌ی در تعیین مجازات و کیفیت آن ندارد. این حضور در پرونده بعضاً اثرات منفی می‌گذارد. شاید یکی از علل رضایت ندادن خانواده‌های مقتولین، نحوه مواجهه دیگران با پرونده است؛ گویی که خانواده مقتول موظف هستند که رضایت دهند و اگر ندهند، مرتکب فعل قبیحی شده‌اند. این همان اشتباه مهلکی است که برخی از متهمان و خانواده‌های آنان و نیز وکلای یا افکار عمومی به ویژه افراد سرشناس در دفاع از قاتل می‌کنند و خانواده مقتول هم پای خود را در یک کفش می‌کنند و حاضر به رضایت نمی‌شوند، حتی اگر از ابتدا دنبال قصاص نبوده نباشند. به‌طور مشخص می‌توان درباره قصاص دل‌آرا چنین رفتاری را دید یا در مورد قصاص مریم رحمانی شاید همین عامل سبب اجرای قصاص شد.

در حقیقت اگر کسانی از جمله قاتل و خانواده او خواهان گذشت و عدم اصرار بر قصاص هستند، باید تمام حق را به خانواده مقتول داده و با آنان همدلی کرده و از آنان دلجویی نمایند. هیچ نگاه مثبتی به قاتل را نباید ترویج کرد. در واقع قاتل باید اظهار پشیمانی جدی کند. صادقانه درصدد جبران برآید. اینکه تا آخر و خلاف برداشت دادگاه و کارشناسان قتل را انکار کند، نتیجه‌ای جز تحریک و اصرار خانواده مقتول بر قصاص ندارد. همیشه باید خود را به جای خانواده مقتول قرار داد و احساس آنها را درک و با آنان همدلی کرد. درخواست عدم قصاص از قاتل هنگامی موجه است که او صادقانه پشیمان شود و درصدد جبران برآید. البته اگر معتقد است که مرتکب قتل نشده است، باید بتواند و می‌تواند تمام نقاط ابهام را به خوبی رفع کند و امید به تبریه نیز داشته باشد. گام اول برای درخواست قصاص از

